



شهادت مدافع وطن در بوکان

یک‌ی‌ی از سربازان فرمانده انتظامی آذربایجان غریبی در جریان درگیری با یکی از اشترار بوکان به شهادت رسید.

سردار رحیم جهانبخش، فرمانده انتظامی آذربایجان غربی گفت:شامگاه سه‌شنبه، مأموران کلانتری ۱۲ شهرستان بوکان برای بازداشت یکی از اشترار در یکی از محله‌های شهر وارد عمل شدند. همزمان با حضور پلیس یکی از سربازان پلیس به نام «شاهین خسروی نیا» در جریان درگیری مجروح و به بیمارستان منتقل شد. هرچند پزشکان تلاش زیادی برای نجات سرباز انجام دادند، اما تلاش‌ها در این باره ثمری نداشت و او به شهادت رسید. تلاش‌های پلیس برای دستگیری مرد شروع که از محل گریخته است، ادامه دارد.

دستگیری ۲ آدم‌باورهای گروگان

سه نفر از اعضای باندی که به‌خاطر اختلاف مالی دست به گروگانگیری زده بودند، بازداشت شدند.

سرهنگ علی قاسم‌پور، رئیس پلیس پیشگیری پایتخت گفت: دو روز قبل مأموران پلیس از حادثه آدم‌ربایی در بلوار فتح باخبر شدند. بررسی‌های مأموران کلانتری چیتگر نشان داد آدم‌ربایان، چهار سرنشین خودروی مسواری پراید بودند که بعد از مسدود کردن مسیر بزرگراه، یک خودروی عبوری را متوقف و پس از تخریب خودرو، راننده را مضروب کرده و او را با خود برده بودند. بعد از آن بود که مأموران پلیس در جریان تحقیقات میدانی و بررسی دوربین‌های مداربسته موفق شدند مخفیگاه متهمان را در تهرانسر شناسایی و همزمان با راهایی گروگان، سه نفر از آدم‌ربایان را بازداشت کنند. سه متهم بازداشت شده در جریان بازجویی‌ها به جرمشان اعتراف کردند و گفتند که حادثه را به‌خاطر اختلاف مالی که با گروگان داشتند، رقم زده‌اند. تحقیقات برای بازداشت چهارمین آدم‌ربا جریان دارد.

نجات تازه‌عروس از طناب‌دار

■ **جلال ستوده**

تازه‌عروس یک متهم است یا همدستی شوهرش مرد مزاحم را به قتل رسانده، در دومین محاکمه در حالی از قضای تیر نه شده که شوهرش با مجازات مرگ مواجه شد.

سه سال قبل اعضای خانواده‌ای گم‌شدن پسرشان را به پلیس غرب تهران خبر دادند. آنها به مأموران گفتند که سینا از خانه بیرون رفته و دیگر برنگشته‌است و همه‌جا را برای پیدا کردنش گشته‌اند. اما خبری از او نشده‌است. بعد از مطرح شدن شکایت، تحقیقات میدانی پلیس نشان داد که سینا آخرین بار همراه یکی از دوستانش یوسف دیده شده‌است، بنابراین وقتی مأموران به سراغ یوسف رفتند متوجه شدند او ناپدید شده‌است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها خبر رسید مأموران پلیس جسد مردی را در یکی از باغ‌های اطراف پیدا کرده‌اند. وقتی مأموران باغ حاضر شدند، جسد مردی را دیدند که با دستمالی که دور گردنش پیچیده‌بود به قتل رسیده‌بود. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی مشخص شد جسد متعلق به سینا است. با کامل شدن بررسی‌ها در این‌باره یوسف تحت تعقیب قرار گرفت و شش ماه بعد دستگیر شد.

او در اولین بازجویی‌ها گفت روز حادثه ساعتی همراه سینا بوده‌ام از او جدا شده و دیگر او را ندیده‌است. یوسف اما در تحقیقات فنی به قتل اعتراف کرد و ماجرا را این‌طور شرح داد: «همراه سینا و تازه‌عروسم به باغ رفته‌بودیم تا تفریح کنیم. من از مدت‌ها قبل سینا را می‌شناختم و با او سابقه رفقت داشتم. ساعتی که گذشت برای تهیه غذا باغ را ترک کردم. از آن‌جا که به سینا اطمینان داشتم همسرم در باغ ماند. وقتی برگشتم دیدم که کبری در حال گریه کردن است. علت را که سؤال کردم گفت که سینا در نبود من به‌او تعرض کرده‌است. من عصبانی شدم و سینا را با سنگ زدم و همراه کبری از باغ بیرون رفتم. کبری هم در بازجویی‌ها گفت که تفرشی در قتل نداشته و تنها شاهد قتل سینا بوده‌است.»

با کامل شدن تحقیقات بازپرس تازه عروس و داماد را به اتهام مشارکت در قتل مجرم شناخت و پرونده در یکی از شعب دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد. در حالی که اولیای‌دم برای دو متهم درخواست قصاص کرده‌بودند، هیئت قضایی آنها را مجرم شناخت و هر دو را به قصاص محکوم کرد. رأی دادگاه با اعتراض متهمان در دیوان عالی کشور بررسی شد. اعتراض کبری از سوی هیئت قضایی پذیرفته شد و پرونده این‌بار در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد. کبری در شرح ماجرا گفت که تفرشی در قتل نداشته‌است. او گفت من دیدم که شوهرم سینا را با سنگ زدم اما من به او ضربه‌ای نزنم. یوسف هم در شرح‌ماجرا گفت: وقتی متوجه شدم سینا به همسرم تعرض کرده سینا بعد از شور کبری را از اتهام قتل تبرئه و یوسف را گناهکار شناخت و به قصاص محکوم کرد.

آتش در ساختمان مسکونی

آتش‌سوزی واحد مسکونی در خیابان کرمان جنوبی موجب مصدومیت مرد میانسال شد. شامگاه سه‌شنبه آتش‌نشنان ایستگاه ۷۱ از حادثه آتش‌سوزی در خیابان کرمان جنوبی با خبر و در محل حاضر شدند. احمد قاسمی، فرمانده آتش‌نشنان گفت: محل حادثه طبقه اول ساختمان مسکونی سه طبقه‌ای بود و آتش‌سوزی در حال سرایت به طبقات بالاتر بود. امدادگران همزمان با ایمین کردن محل تلاش برای مهار آتش را در دستنور کار قرار دادند. همزمان تیمی از نیروهای آتش‌نشانی به دستگاه‌های تنفسی مجهز شدند و پس از ورود به ساختمان و جست‌وجو در محل حادثه، مرد حدوداً ۴۵ ساله را که از ناحیه صورت، دست و پاها دچار سوختگی شده بود، از محل حادثه خارج کردند. امدادگران سرنجام موفق شدند آتش را مهار کنند. علت حادثه در دست بررسی است.

■ **آرمین بینا**

در مرد جوان که به اتهام آدم‌ربایی و تعرض به دختری جوان به‌اعدام محکوم شده بودند پس از اعتراض به حکم‌شان از این مجازات تبرئه و در مجموع به ۱۱سال زندان و تحمل شلاق محکوم شدند. عصر روز شنبه اول اردیبهشت‌ماه ۹۷، دختر جوانی در تهران وحشت‌زده به اداره پلیس رفت و از دو پسر جوان به اتهام آدم‌ربایی و آزار و اذیت شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «ساعتی قبل از محل کارم در یکی از خیابان‌های شرق تهران بیرون آدمم و کنار خیابان منتظر تاکسی بودم تا به خانه بروم. دقایقی مانده به ساعت ۱۷ خودروم پرایدی که با دو سرنشین کنارم توقف کرد و من هم فکر کردم راننده که پسر جوانی بود، مسافرکش است و مرد جوان دیگر هم مسافر است، به همین دلیل مسیر را گفتم و سوار شدم. راننده پس از طی مسافتی به پهنانه ترافیک تغییر مسیر داد، اما من به آنها مشکوک شدم و از راننده خواستم خودرو را متوقف کند تا پیاده شوم. راننده خیلی به صحبت‌های من توجهی نمی‌کرد، اما وقتی داد و فریاد کردم مرد جوانی که کنارم نشسته بود، جاقویی روی پهلویم گذاشت و تهدید کرد هیچ حرکتی نکنم. از ترس حرفی نزنم و در حالی که دست و پایم به لرزه افتاده بود، آنها وارد پارکینگ ساختمان مسکونی شدند و بعد مرا به زور به او پارتمان طبقه چهارم بردند. هر چقدر التماس و گریه کردم فایده‌ای نداشت. آنها مرا از دادند و حتی از من فیلم سیاه تهیه کردند. پس از این حادثه، دوباره مرا سوار بر خودرو کردند و داخل خیابان خلوتی رها و تهدید کردند اگر شکایت کنم فیلم



سیاه مرا در فضای مجازی منتشر می‌کنند، اما من تصمیم گرفتم به اداره پلیس پیام و از دو مرد شیطان‌صفت شکایت کنم.»

■ **بازداشت شیاطین**

با طرح شکایت دختر جوان، تیمی از مأموران پلیس تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری متهمان آغاز کردند و با اطلاعاتی که شاکی در اختیار آنها قرار داده بود خیلی زود دو متهم به نام‌های فریبرز و سیروس را شناسایی و دستگیر کردند.

در دو متهم در بازجویی‌ها جرم خود را انکار کردند و با تناقض گویی تلاش داشتند مسیر رسیدگی به پرونده را تغییر دهند. از سوی

حجرات

سرویس حوادث۶۰۴۰۰۴۸۵۵

۱۱ سال زندان مجازات تعرض به زن مسافر



دیگر دو متهم وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شدند، سعی کردند اتهامات خود را به گردن بگذرانند. محاکمه پرونده فریبرز را برای دوستانش سیروس را به عنوان متهم معرفی می‌کرد و سیروس هم جرم خود را به گردن فریبرز انداخت. در حالی‌که دو متهم به تناقض گویی‌های خود ادامه می‌دادند، مأموران پلیس در بازرسی از خانه فریبرز مقداری مواد مخدر و فیلم سیاهی که از شاکی تهیه کرده بودند، کشف کردند.

■ **حکم اعدام**

بدین ترتیب دو متهم پس از صدور کیفرخواست از جنبه تجاوز در شعبه هفتم دادگاه کیفری

محاکمه شدند. متهمان در جلسه دادگاه اظهار پشیمانی به جرم خود اقرار کردند، اما مدعی شدند که رابطه آنها با دختر جوان به اجبار نبوده است. قضات دادگاه دو متهم را به شلاق، حبس و اعدام محکوم کردند. از سوی دیگر فریبرز در دادگاه انقلاب هم به خاطر نگهداری مواد مخدر و کشف فیلم سیاه در خانه‌اش به شش سال حبس محکوم شد.

■ **اعتراض**

با اعلام حکم اعدام، دو متهم به رأی دادگاه اعتراض کردند و قضات شعبه ۲۲ دیوان عالی کشور پرونده را این‌بار برای بررسی و رسیدگی به اعتراض متهمان در اختیار قضات دادگاه شعبه ۱۱ کیفری استان قرار دادند و قضات دادگاه هم پس از بررسی و محاکمه دوباره آنها، حکم اعدام فریبرز را تأیید کردند، اما حکم اعدام سیروس را نقض کردند و وی به ۷۴ ضربه شلاق به خاطر رابطه نامشروع محکوم شد. بدین ترتیب حکم اعدام فریبرز پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای اجرا به شعبه اجرای احکام فرستاده شد. همزمان با تسیر مراحل اجرای حکم اعدام، وکیل وی اعاده دادرسی کرد و این‌بار شعبه ۲۸ دیوان عالی کشور پرونده فریبرز را برای بررسی به شعبه ۸ کیفری استان فرستاد. قضات دادگاه پس از شنیدن دفاعیات متهم و بررسی پرونده فریبرز را از اعدام تبرئه و به شلاق محکوم کردند. دو متهم همچنین پس از شکستن حکم اعدامشان از جنبه آدم‌ربایی محاکمه شدند و فریبرز به چهار سال و شش ماه حبس و سیروس هم دو سال و شش ماه حبس محکوم شدند. پرونده متهمان پس از تأیید حکم‌شان به شعبه دوم اجرای احکام دادرسی امور جنایی تهران فرستاده شد.

مظلون به قتل عتیقه‌فروش در مزار شریف به دام افتاد

می‌داد قابل با همان شمع‌دانی به سر مقبول زده و بعد از حادثه هم سعی کرده لکه‌های خون را پاک کند. تیم جنایی در نخستین گام، مرد جوانی را که به عنوان مباشر کارهای اداری او را انجام می‌داد، به عنوان مظنون بازداشت کردند، اما در تحقیقات مشخص شد وی بی‌گناه است و آزادی شد.

در ادامه تحقیقات مأموران پلیس متوجه شدند دو مرد جوان افغان به نام‌های مصعب و مسعود برای نفاقت به خانه زن ثروتمند رفت و آمد داشته‌اند. مأموران مسعود را بازداشت

تیم جنایی در طبقه پنجم آپارتمان مسکونی در یکی از خیابان‌های شمال تهران با جسد زن ۶۰ساله‌ای به نام گوهر زیرمیز ناهارخوری کرده‌است، در شهر مزار شریف به دام افتاد. به گزارش «جوان»، اوایل اسفندماه سال گذشته، قاضی محمد مهدی براهه، بازپرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران ای‌تاماس تلفنی مأموران پلیس از قتل زن میان‌سالی در آپارتمان مجللش با خبر و همسران تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

شناسایی «مارکوپولو» با دوربین مخفی



■ **غلام‌ضامسکونی**

اعضای یک باند سرقت معروف به مارکو پولو که با پرسه در شهرهای مختلف دست به سرقت می‌زدند با ردیابی مغازهای که مجهز به دوربین مخفی بود، شناسایی و بازداشت شدند.

فروردین‌ماه امسال مرد جوانی در تهران به اداره پلیس رفت و از سارقانی به اتهام سرقت از مغازه موبایل فروشی خود شکایت کرد. وی گفت: «همراه من مجهز به دوربین مداربسته است و زمانی هم که مغازه بسته است از طریق تلفن همراهم دوربین مغازم را چک می‌کنم. نیمه‌های شب قبل وقتی تلفن همراهم را روشن و برنامه دوربین مداربسته مغازم را فعال کردم، متوجه شدم دوربین‌ها از کار افتاده‌اند که بلافاصله به مغازه آدمم. کرکره و قفل در مغازم تخریب شده‌بود و سارقانی به مغازه دست‌نزد بودند و تمامی تلفن‌های همسراه را که پیش از یک میلیارد تومان ارزش داشت، سرقت کرده بودند. زتی بررسی کردم، متوجه شدم سارقان ابتدا به صورت حرفه‌ای دوربین مداربسته را از کار انداخته و بعد دست به سرقت میلیاردری زده‌اند.»

■ **سرقت‌های ماهرانه**

با شکایت مرد موبایل فروش، تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی به دستنور بازپرس شعبه پنجم دادرسی ویژه سرقت برای شناسایی سارقان وارد عمل شدند. همزمان با ادامه تحقیقات در این حادثه، مأموران پلیس با شکایت‌های متعددی روبه‌رو شدند که همگی حکایت از آن نداشتند مداربسته مغازها را از کار می‌اندازند و سپس شد سارقان در هر سرقت بین ۷۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان اموال سرقت می‌کنند. مأموران در بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف مغازها، ردی از سارقان پیدا نکردند و دوربین‌های اطراف قطب خودروی برشپایی را با پلاک محدود ثبت کرده بودند که چهار سارق پس از سرقت با آن از محل دور می‌شوند.

می‌داد قابل با همان شمع‌دانی به سر مقبول زده و بعد از حادثه هم سعی کرده لکه‌های خون را پاک کند. تیم جنایی در نخستین گام، مرد جوانی را که به عنوان مباشر کارهای اداری او را انجام می‌داد، به عنوان مظنون بازداشت کردند، اما در تحقیقات مشخص شد وی بی‌گناه است و آزادی شد.

در ادامه تحقیقات مأموران پلیس متوجه شدند دو مرد جوان افغان به نام‌های مصعب و مسعود برای نفاقت به خانه زن ثروتمند رفت و آمد داشته‌اند. مأموران مسعود را بازداشت

گام دوم در پرونده مهرجویی



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

در روز قبل سوختگی قوه قضائیه اعلام کرد اولین جلسه رسیدگی به پرونده قتل

داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر، روز سه‌شنبه ۱۹ دی‌ماه در یکی از محاکم قضایی کرج برگزار می‌شود. مسعودستانی به‌نحوه برگزار ی این جلسه که علنی است یا غیرعلنی اشاره‌ای نکرد. داریوش مهرجویی و همسرش شامگاه ۲۲مهرماه اسمال در ویلای شخصی‌شان در زیبادشت کرج به قتل رسیدند. شب حادثه

وقتی دختر خانواده قدم به داخل خانه گذاشت با جسد والدینش مواجه شد و پلیس را از ماجرا باخبر کرد. زمانی که مأموران پلیس متوجه شدند قربانین حادثه از چهره‌های سرشناس دنیای سینما هستند، تیم‌های ویژه جنایی قدم به محل حادثه گذاشتند و چهار روز بعد موفق شدند چهار مرد جوان را که در ارتکاب جنایت نقش داشتند، بازداشت کنند. تحقیق از متهمان به دلیل حساسیت پرونده به صورت غیرعلنی دنبال شد، به‌طوری‌که به خبرنگاران اجازه ورود به صحنه جرم و مواجهه با مجرمان داده نشد. با این حال با تلاش رسانه‌ها اعلام شد عواملان حادثه به خاطر اختلاف مالی که با زنده‌یاد مهرجویی داشتند، دست به ارتکاب جنایت زده‌اند. با کامل شدن تحقیقات در این باره، بازپرس چهار متهم بازداشت شده را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان البرز ارجاع شد تا عواملان حادثه سه ماه پس از ارتکاب جنایت محاکمه شوند.

پرونده‌های جنجالی همواره مورد اقبال جامعه قرار می‌گیرند و مخاطبان تلاش می‌کنند برای پرسش‌های مطرح شده در بستر اجتماعی پاسخی پیدا کنند. تجربه نشان می‌دهد جنجال‌های شکل گرفته همزمان با فاصله گرفتن از ماجرا یا وقوع حادثه‌ای خونین تر کم‌رنگ می‌شود و هیجان شکل گرفته ناشی از حادثه رنگ می‌بازد.

تا پیش از وارد شدن فضای سایبر به زندگی اجتماعی، مدیریت اخبار با در نظر گرفتن راستی‌آزمایی‌های صورت گرفته در تحریریه‌های خبری صورت می‌گرفت. اطلاع‌رسانی درباره پرونده‌های جنجالی آن دوران مثل خاتن‌شعب، بیچه، شلوا و بسیاری از پرونده‌های دیگر با تلاش میدانی خبرنگاران انجام می‌شد، از همین رو روایت دست اول در مرجع رسانه به بدنه اجتماعی می‌رسید. با ورود فضای سایبر اما رسانه‌های رسمی از جمله رسانه‌های مکتوب مورد بی‌مهری قرار گرفتند و در سایه همین بی‌مهری‌ها، منتشرکنندگان اخبار غیررسمی این فرصت را پیدا کردند تا با انتشار روایت‌های غیرواقعی، مدیریت افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند. از همان زمان تأکید شده که در چنین فضایی این مرجع‌های رسمی خبر از جمله پلیس و دستگاه قضایی هستند که باید با اعتماد به رسانه‌های رسمی، امکان انتشار اخبار مستند از روایت‌های دست اول را فراهم آورند. روشن است، رسانه‌های رسمی در انتشار اخبار و گزارش‌های خود تلاش دارند با در نظر گرفتن ارزش‌های خبری هر رویداد به پرسش‌های مطرح شده در عناصر خبری که همان پرسش‌های مطرح شده در بستر اجتماعی است پاسخ دهند.

از زمان شکل‌گیری پرونده قتل مهرجویی و به دلیل شهرت وی روشن بود چرا می‌شکل‌گیری پرونده مورد اقبال عمومی قرار گیرد. با این حال به شکل‌گیری فضای هیجانی در جامعه دستگاه قضایی موفق شد در زمان کمی از وقوع حادثه با کامل کردن تحقیقات، پرونده را در نوبت رسیدگی قرار دهد. با اینکه هنوز علنی و غیرعلنی بودن جلسه روشن نشده است، اما تأکید رسانه‌های رسمی همواره بر اطلاع‌رسانی سالم و آگاهی‌بخشی عمومی بوده تا در چنین فضایی از امکان غلبه حاشیه بر متن جلوگیری شود.



می‌بستند و به خانه‌هایشان می‌رفتند، اما من به صورت حرفه‌ای دوربین‌ها را از کار می‌انداختم. واقعیتش قبلاً در نصب دوربین فعالیت داشتم و بعد هم به تجربه‌ام اضافه کردم.

چطور می‌مغازه را انتخاب می‌کردید؟

پرسه‌زدن در خیابان‌ها و وقتی متوجه می‌شدیم مغازه‌های تعداد زیادی موبایل دارد، آن مغازه را برای سرقت انتخاب می‌کردیم.

شما چقدر دست هستی؟

بله، من بین دوستانم به احسان چپ‌دست مشهورم، اما مدتی قبل در یک حادثه دست‌چپم آسیب دید و الان مجبورم از دست راستم استفاده کنم که کمی برایم سخت است.

چه شد که سرکرده باند شدی؟

به هر حال وقتی یک نفر حرفه‌ای تر است و سابقه بیشتری دارد، همدستان دیگر با او مشورت می‌کنند و همه نقشه‌ها را طراحی می‌کنند. من حرفه‌ای هستم و به قول دوستانم آنقدر مار خورده که افعی شدام و قبل از این هم هشت بار به زندان رفتم.

باند شما در شهرهای دیگر هم سرقت داشته است؟

بله. وقتی مدتی در تهران سرقت می‌کردیم برای اینکه اب‌ها از آسیب بیفتد و مأموران را فریب بدهیم برای سرقت به شهرهای دیگر می‌رفتیم و بعد از مدتی دوباره به تهران برمی‌گشتیم. ما در شهرهای زنجان، اهر، کرج و شهری‌هم سرقت داشتیم، به همین دلیل روی باندن نام مارکوپولو گذاشته بودیم.

فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

درست است که ما حرفه‌ای عمل می‌کردیم و حتی بعد از کار انداختن دوربین‌ها، چهره‌مان را هم می‌پوشانیدیم، اما من معتقدم ماه همیشه پشت ابر نمی‌ماند و یک روز دستگیر می‌شویم. البته این‌بار زود دستگیر شدیم، چون خبر نداشتیم صاحب مغازه دوربین مخفی را می‌شناسیم صاحب مغازه دوربین مخفی را می‌شناسیم. او طرفی هم دوستانم مرا به اسم خودم صدا می‌زدند و دوربین مخفی هم صدای مارا ضبط کرده بود.

کشف محموله حشیش

از خانه مسکونی

رتیسس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران از کشف ۴۸کیلو حشیش از خانه مسکونی خبر داد. به گزارش «جوان»، سرهنگ حسین باباپور گفت: مأموران پلیس در جریان تحقیقات خود از فعالیت یک سوداگر مرگ در جنوب تهران باخبر و وارد عمل شدند. وی ادامه داد: همزمان با حضور مأموران در میخگاه وی، ۴۸ کیلو حشیش کشف و متهم بازداشت شد. بررسی‌های بیشتر پلیس در این‌باره جریان دارد.